

## ره آورد یک سفر



۳

اگر به همینگونه مسائل مربوط به ارتش، اختلاس، فساد اداری، عدم توانایی در تحلیل دسایس کشورهای همسایه، منطقه و امریکا- ناتو و یا پذیرش عمدی آن یعنی خیانت و . . . را در همه وزارتخانه های سکتوری دولتواره کابل مورد بررسی قرار دهیم، میرسیم به اینکه "مشت نمونه خروار است". بهتر است به این مطالب نقطه پایان گذاریم و به واقعیت های اجتماعی- سیاسی و نظامی- سیاسی که از جمله مطالب بنیادی کنونی جامعه - با در نظر داشت آنچه که در عرصه اقتصادی از دست رفته است- محسوب میشوند، توجه مبذول داریم.

### اول- عرصه اجتماعی- سیاسی

درین زمینه نمیخواهم وقت خواننده را به مسائل تعریف ها، بلکه به تحریفات، تناقضات و سوء استفاده ها از وضع کنونی در جامعه افغانی جلب کنم. تعریفها چه کلاسیک و چه مدرن کار اندیشمندان جامعه شناس است که من خود را در جایگاه آنان قرار نمیدهم، بلکه بمثابة یک گزارشگر، وطنپرستانه طرح میکنم و روی قضاوتم به نفع فقرا، تهیدستان و مردمان دارای کمترین درآمد است که حدود اضافه تر از ۸۰ درصد جامعه را احتوا میکند.

ممکن اکثریت خواننده گان بگویند که قضاوت من منحصر به شهر کابل است و نمیتواند سنجش همگانی را بدست دهد و اما همه ما خوبتر میدانیم که کابل از گذشته ها تا امروز محک همه تغییرات و تحولات بوده و ولایات نظر به ساختار اجتماعی - سیاسی دنباله روی کرده اند. این را هم باید یاد آور شد که وضع اجتماعی- سیاسی در شهر کابل در مقایسه با هر

منطقه دیگر افغانستان از جمله بهترینها است و نادرست نخواهد بود هر گاهی قضاوت را از همین ولا آغاز گذاریم و ولایات را در مقایسه با آن تجسم بخشیم.

برخورد با این مسأله را باید سیستمی بررسی کرد. آنچه امروز در افغانستان میگذرد محصول سیستم رو به زوال سرمایه داری است که پول نهادینه ترین شیوه های کاری آنرا تشکیل میدهد و عنان انسانهای را که نادر و ناتوان بوده اند و از برکت "جهاد" امروز پولدارترین افراد جامعه اند و همه مقدسات ملی و مذهبی شانرا فدای عطش بیحد و حصر غرض رسیدن به منابع پولی خارجیها ساخته اند، در دست دارند.

اکنون اگر قضاوت نادرست نکرده باشم طیف وسیعی از بازمانده گان حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب وطن سابق را امریکا- ناتو در اختیار خود دارد و از آنان به صفت کاندیدان ریاست جمهوری و افراد ذیدخل در کابینه های فرمایشی استفاده بعمل میآورند. سوال من درینجاست که این رفقا همه مقدسات شانرا فراموش کرده اند و آنهمه سوگند هاییکه بر مزار رفقای شهید شان یاد کرده بودند همه و همه را نادیده میگیرند؟

واقعیت چنین است که همان رفقای پارینه، امروز با سربلندی از روابط دوستانه شان با سفارتخانه های کشورهای اروپای غربی یادآوری نموده و با علاقمندی خاصی خودرا از شرکت کننده گان در ماشین اعمال قلبی قدرت دخیل میدانند. چشمدید من در وطن چنین بوده که هر گاهی آقایون شمه یی از دگر اندیشی را در وجود فردی احساس کنند اصلاً نمیخواهند روابطی با وی داشته باشند و این روابط را صرفاً با اشخاصی "مشروع" میپندارند که با ایشان در تعمیل قدرت همنا بوده و در چپاول، رشوه ستانی، محفلبازی، محل پرستی، ملیت گرایی و... شریک آنان باشند. جمعی را بنام رهروان سیاست فلان رهبر قبلی حزب و تعدادی را به عنوان سیاست بازیهای گذار نا ممکن از یک فارماسیون اقتصادی- اجتماعی و پیاده نمودن بدون قید و شرط سیستم جهانخوار سرمایه داری اغوا نموده اند و خود ادعای داعیان رهبری جنبش دموکراتیک را میکنند و نامهای مود روز را بر سازمانهای شان بدون داشتن محتوای واقعی دموکراتیک بسته اند که این اصل در میان اکثریت احزاب وضاحت دارد.

واما ضرورت آن می افتد که پرسیم. آیا این همه سازمانها و احزاب درین مدت زمان ده سال کدام دستاورد محسوسی برای مردم و زحمتکشان افغانستان دارند؟ آیا آنان موفق به ایجاد کوچکترین زمینه های کار برای دهها هزار بیکار افغان شده اند؟ آیا ضرورت آن میرود که "دموکراتان افغان" خود مشاهده کنند که چگونه کارگران خارجی زمینه های کار، کارگران

افغان رامیربایند و تومار طالبی را به کشور ما مسلط میسازند؟ آیا میتوانید در یک کشور جهان و حتی در یکی از کشورهای سرمایه داری نشان دهید که کارگران مهمان مقدم بر کارگران داخلی به دریافت محل کار فایق آمده باشند؟

اینها و دهها سؤال دیگر حاکی از آنست که دولتواره امروزین افغانستان هنوز دنباله رو سیاستهای امپریالیستی امریکا- ناتو بوده و اصلاً به حال مردم افغانستان توجهی نداشته، بلکه برخلاف در راه پیاده نمودن نقشه های گلوبالیزم و استراتیژی آن که قرار معلوم چند دهه دیگر بهمین شیوه به دولتمداری ادامه خواهد داد، خویش را آماده خدمتگذاری میدانند. درین سالها همه کانسرنهای بین المللی کشور های سرمایه داری و لاشخواران منطقوی بهره برداری های شانرا خواهند کرد و بگونه نایجیریای امروزی بعد از آنکه ذخایر نفتی آن مکیده شد، دیگر اهمیتی برای امپریالیستهای گلوبالیست نداشت و این کشور با همه مشکلات محیطی و اجتماعی- سیاسی آن فراموش شد و برپادی سائر کشور های جهان و از جمله بطور دوامدار افغانستان نیز از همین قماش است.